

داور

گی خودمانی در ضرورت تشکل

دوستان! همان طور که آگاهید، بحث تشکل و سازماندهی نه بحث تازه ای است و نه مختص به طبقه ای خاص. ضرورت تشکل به حدی جدی و واقعی و نمایان است که امروزه بیشتر از هر کسی صاحبان سرمایه با تمام توان برای در اختیار گرفتن کارشناسان مربوطه در جهت ارائه تئوری برای برنامه ریزی در سمت و سوی تولید، سود بیشتر، و نحوه اعمال نفوذ بر طبقه کارگر و طرح و پیش بینی نقشه هایی که بتوانند در هر زمان و مکان با برخورد سنجیده در برابر اعتراضات کارگری حافظ منافع سرمایه در تمامی مراحل بحرانی باشند، تمامی تلاش خود را به کار برده اند که با توان مندی و از هر راهی در جهت تضعیف، به انحراف کشاندن، و سرکوب اعتراضات کارگری در کمال صداقت! (در این مورد صداقت کامل دارند) با همدیگر هم پیمان شده و در این راستا تمامی موانع را حل شده فرض کرده اند، به شرطی که طبقه کارگر دارای انسجام واقعی و لازم خود نگردد. بله، اما در طرف دیگر طبقه کارگر در کجای این توازن قدرت قرار دارد؟ طبقه کارگر به مثابه یک طبقه واحد، عینی، با پایگاه اجتماعی خاص خود چه تدابیری را اندیشیده و چه راهکاری برای ادامه زندگی خود دارد؟ چگونه باید از این وضعیت خلاصی یابد، و به کدام دعا و نیایشی باید پردازد؟ و چگونه در یک برنامه مشترک و توان مند با دیگر هم طبقه ای هایش طرحی واحد و لازم جهت احقاق خواست های خود داشته باشد و در کدام کانال و تشکل و با چه اهدافی توان مندی های فردی را به تنی واحد به نام طبقه علیه کار مزدی سازماندهی کند؟ طبیعتاً جواب این سوال بسیار راحت تر از جویدن یک آدامس است. بله، جواب عبارت است از تشکلات کارگری در سطح کارخانه ها و تشکلات سراسری و اتحادیه های کارگری مستقل در سطح کشور، تشکل هایی که بتوانند نیروی کار را با اهداف مشخص و دور نمائی مشخص دور هم جمع نمایند و در این ظرف واحد با بیان دیدگاه ها، و راهکارهای مشترک کارگری و با برنامه علمی و عملی در جهت طرح مبانی چگونگی مبارزه طبقه کارگر چاره اندیشی کنند. طبقه کارگر جدا از تمایلات فردی و خواست های فردی باید این توان مندی را احساس کرده تا با برنامه مشترک و همگانی بتواند در مقابل نظام سرمایه قد علم کند. این توان مندی احتیاج به اثبات ندارد، چرا که خالقان نعمات جامعه این را بارها در اعتراضات، اعتصابات در سراسر دنیا به نمایش گذاشته و این اندک تحولات حاصل دسترنج مبارزات بی وقفه دوستان کارگرممان در تمامی عرصه های مختلفی مبارزاتی بوده است. دوستان کارگر! باید خود را باور کنیم و یک بار دیگر اما این بار متفاوت (از

حیث تشکل و سازماندهی (با پرچم واقعی خودمان، با شعار واحد، و سازماندهی رهبران و فعالین جنبش کارگری در جهت ایجاد تشکلات کارگری جدا از تمامی مباحثات حزبی و سازمانی در جهت احقاق حقوق پایمال شده مان هم صدا و هم گام فریاد برآوریم تا در جریان مبارزه ای علنی و واقعی بتوانیم ظرفیت ها و توان مندی های خود را برای ساختن دنیایی به دور از رنج و محنت محک زده و با دور اندیشی واقعی، جدا از تمامی صف بندی های کارگری موجود کاری واحد را سازمان دهیم. ایجاد تشکل های کارگری فقط با همت و حضور خودمان امکان دارد و این امر میسر نمی شود مگر با درک واقعی و شناخت خود و هم طبقه ای های مان که همدل و هم صدا و آگاهانه در تشکل واقعی و مستقل کارگری با برنامه ریزی بتوان در هر زمانی با تصمیمی واحد و سراسری نیروی عظیم خود را به نمایش گذاشته و با پروسه ای نه شاید ساده و در کوتاه مدت اما با درایت به روحیه اجتماعی بودن طبقه کارگر و ایمان به این که دنیای پر از رفاه و آسایش شایسته تمامی انسان ها است هم برای منافع آنی و ضرورت های زندگی کنونی تغییری به وجود آوریم و هم با برنامه ریزی های بلند مدت خود یک بار برای همیشه به این دنیای پر از حقارت و رنج و استثمار که توسط صاحبان زر و زور و توحش مالکیت بر تمامی انسان ها تحمیل شده پایان داده و آن چه که شایسته یک زندگی انسانی است براساس رسالت و وظیفه طبقه کارگر به مثابه تنها طبقه انقلابی به انسان ها بازگرداننده شود. پس با اتحاد و آگاهی و ایمان به آینده روشن و دنیای شایسته انسانی در جهت ایجاد یک طبقه واحد در تشکل های کارگری و برای ایجاد یک اتحادیه سراسری کارگری و مستقل، جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری را سازماندهی کنیم. بی شک آینده از آن ماست.

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

www.komiteyehamahangi.com

komiteye_hamahangi@yahoo.com